

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الإمام الصادق عليه السلام: تَعَلَّمُوا الْعَرَبِيَّةَ فَإِنَّهَا كَلَامُ اللَّهِ الَّذِي يُكَلِّمُ بِهِ خَلْقَهُ.

دستنامه و کتاب کار

با رویکرد کنکور

عمر

جهت جزوات بیشتر مارو در تلگرام با آدرس زیر

دنبال کنید

کانال عربی دهم تاکنکور @arabic\_yazdahom

پایه دهم

دوره دوم متوسطه

رشته ادبیات و علوم انسانی

کردآورنده: قربانعلی حمزپور کراسری

www.monjed.blogfa.com

نام و نام خانوادگی:

نام آموزشگاه:

شماره کلاس:

# الفهرس

## ■ الدرس الأول ..... | ١ |

ذاك هو الله + صيغ الأفعال + التعرف

## ■ الدرس الثاني ..... | ١٩ |

إنكم مسؤولون + الأعداد من واحد إلى مئة + في مطار النجف

## ■ الدرس الثالث ..... | ٢٦ |

مطر السمك + الفعل الثلاثي المجرد والمزيد (١) + في قسم الجوازات

## ■ الدرس الرابع ..... | ٣١ |

التعاش السلمي + الفعل الثلاثي المزيد (٢) + في صالة التفيش

## ■ الدرس الخامس ..... | ٣٥ |

«هذا خلق الله» + الجملة الفعلية والاسمية + مع سائق سيارة الأجرة

## ■ الدرس السادس ..... | ٤١ |

المعالم الخلابة + إعراب أجزاء الجملة الاسمية والفعلية + في الصيدلية

## ■ الدرس السابع ..... | ٤٨ |

صناعة النفط + الفعل المجهول + مع مسؤول استقبال الفندق

## ■ الدرس الثامن ..... | ٥٥ |

يا من في البحار عجائبه + الجار والمجرور ونون الوقاية + مع مشرف الخدمات

جهت جزوات بیشتر مارو در تلگرام با

آدرس زیر دنبال کنید

کانال عربی دهم تاکنکور

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ



# کانال عربی دهم تا کنکور

❖ أقسام کلمه در زبان عربی

کلمه در زبان عربی بر سه نوع است: اسم، فعل و حرف.

اسم: کلمه ای است که بر معنایی مستقل دلالت کند بدون اینکه مقرون به زمان باشد؛

مانند: الطَّالِبُ ( دانش آموز ) الشَّجَرَةُ ( درخت )

فعل: کلمه ای است که بر حالت یا کاری در یکی از زمانهای گذشته، حال یا آینده دلالت کند؛

مانند: كَتَبَ ( نوشت ) ، يَكْتُبُ ( می نویسد ) ، سَوْفَ يَكْتُبُ ( خواهد نوشت )

حرف: کلمه ای است که معنای مستقلی ندارد و باید با اسم یا فعل همراه باشد؛

مانند: مِنْ ( از ) فِي ( در )

مهمترین علامتهای اسم

۱- داشتن « أَل » ؛ مانند: العِلْمُ

۲- داشتن « تنوین » ؛ مانند: عالِمٌ ، عالِمًا ، عالِمٍ

۳- « مضاف » واقع شدن ؛ مانند: كِتَابُ الطَّالِبِ

نکته: حرف « أَل » باید قابلیت جدا شدن از کلمه را داشته باشد؛ مانند: « الكِتَابُ » ( أَل + کتاب ) ولی اگر حرف « أَل » جزء کلمه باشد علامت اسم محسوب نمی شود؛ مانند: « أَلْهَمَ » که فعل ماضی است.

توجه: هر اسمی می تواند تنها یکی از علامتهای مذکور را داشته باشد. همچنین اسم های دیگری نیز وجود دارد که فاقد این علامتها است؛ مانند: اسم اشاره ، اسم استفهام و ضمائر که در ادامه به آن خواهیم پرداخت. البته اسمهای مثنی و جمع مذکر سالم هم تنوین نمی گیرند.

از نشانه های دیگر اسم، تاء گرد (ة - ة) است و یا اینکه بعد از حرف « یا » می آید.

۱- در کدامیک از عبارتهای زیر اسم وجود ندارد؟



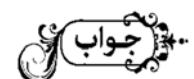
( أ ) الدُّنْيَا مَرْعَةٌ الْآخِرَةُ.

( ب ) النَّوْمُ أَخُّ الْمَوْتِ.

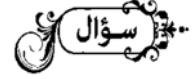
( ج ) سَلَّمُوا ثُمَّ اجْلِسُوا.

( د ) جَمَالَ الْعِلْمِ نَشْرُهُ.

در گزینه « ج » « سَلَّمُوا » و « اجْلِسُوا » فعل أمر و « ثُمَّ » حرف است و در سایر گزینه ها همه کلمات اسم هستند؛ لذا جواب صحیح گزینه « ج » می باشد.



۲- در کدامیک از عبارتهای زیر فعل وجود دارد؟

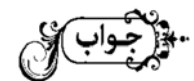


( أ ) ﴿ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا ﴾

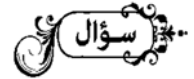
( ب ) خَيْرُ النَّاسِ أَنْفَعُهُمُ لِلنَّاسِ.

( ج ) تَمَرَةُ الْعَقْلِ مُدَارَةُ النَّاسِ.

( د ) الْجَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ الْأَمْهَاتِ.

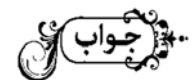


۳- كَمْ فِعْلًا يُوجَدُ فِي الْعِبْرَةِ النَّالِيَةِ؟ (سراسری تجربی ۷۱ با اندکی تغییر)



لَا تَقْتُلُوا يَوْسُفَ وَ أَلْفُوهُ فِي الْبَيْتِ ثُمَّ قُولُوا لِأَبِيكُمْ أَكَلَهُ الدُّبُّ.

( أ ) ثلاثة ( ب ) أربعة ( ج ) خمسة ( د ) ستة



کلمات « لَا تَقْتُلُوا ، أَلْفُوا ، قُولُوا و أَكَلْ » فعل هستند لذا جواب صحیح گزینه « ب » است.

## ❖ حروف معانی و حروف هجاء ( الفبا )

همانگونه بیان شد حرف یکی از اقسام کلمه است که در زبان عربی به آن حروف معانی گفته می شود اما حروفی که کلمات از آن تشکیل می شود در زبان عربی حروف هجاء و در زبان فارسی حروف الفبا نامیده می شود.

حروف هجاء در زبان عربی ۲۸ حرف است به نام هر يك از این حروف توجه کنید:

أ (همزه) - باء - تاء - ثاء - جیم - حاء - خاء - دال - ذال - راء - زاء - سین - شین - صاد - ضاد - طاء - ظاء - عین - غین - فاء - قاف - کاف - لام - میم - نون - هاء - واو - یاء.

✓ توجه: چهار حرف « گ ، چ ، پ ، ژ » ( گچ پژ ) در عربی نوشتاری (فصیح) وجود ندارد.

## ❖ علامتها

علامتهای ( َ ، ِ ، ُ ، ْ ، ً ، ٌ ، ٍ ، ِ ) را در کلمات عربی می بینید؛ عناوین این علامتها را نیز یاد بگیرید:

( َ - فتحه ) ، ( ِ - کسره ) ، ( ُ - ضمه )

( ْ - تنوین نصب ) ، ( ً - تنوین جر ) ، ( ٌ - تنوین رفع ) و ( ٍ - علامت سکون )

❖ تقسیم اسم از نظر جنس ( مذکر و مؤنث )

اسمی که بر جنس نر دلالت کند؛ مانند: مُحَمَّد ، الرَّجُل ( مرد )  
و یا مانند جنس نر با آن برخورد شود؛ مانند: الْجَبَل ( کوه )

مذکر

اسمی که برجنس ماده دلالت کند؛ مانند: فَاطِمَة ، الإمرأة ( زن )  
و یا مانند جنس ماده با آن برخورد شود؛ مانند: الشَّجَرَة ( درخت )

مؤنث

✓ توجه: مهمترین علامت اسمهای مؤنث تاء مربوطة ( گرد ، مدوّرة ) است؛ مانند: التَّلْمِيذَة

✓ بدانیم: اسمهای مؤنث، گاهی بدون علامت تأنیث می آید؛ مانند: مریم و زینب.

۴- در کدامیک از عبارتهای زیر اسم مؤنث وجود ندارد؟

سؤال

- أ) يا بِنْتِي، اِنْتَسِمِي لِلْحَيَاةِ.  
ب) ﴿ اِنَّمَ الْمُؤْمِنُونَ اِخْوَةٌ ﴾  
ج) قَسَمْتُ مَرْعَتَنَا اِلَى نِصْفَيْنِ.  
د) اِضَاعَةُ الْفُرْصَةِ غَضَةٌ.

در گزینه « أ » « بنت و الحیاة » ، در گزینه « ج » « مزرعة » و در گزینه « د » همه کلمات مؤنث هستند؛ لذا گزینه « ب » درست است. ( إخوة ، جمع مکسر أخ است. )

جواب

۵- در کدامیک از عبارتهای زیر اسم مذکر وجود ندارد؟

سؤال

- أ) هَذِهِ الْبَيْتُ، فِي تِلْكَ الْبَيْتِ.  
ب) كَانَتْ مَجْمُوعَةٌ مِنَ الْحَيَوَانَاتِ فِي غَابَةِ.  
ج) نِعْمَتَانِ مَجْهُولَتَانِ، الصَّحَّةُ وَ الْأَمَانُ.  
د) يَا صَدِيقِي، تِلْكَ سَفِينَةٌ حَرَبِيَّةٌ تَقْتَرِبُ مِنَّا.

.....  
.....

جواب

(سراسری تجربی ۶۳)

۶- أَيُّ كَلِمَةٍ تَكُونُ مُؤنَّثَةً مَعنَوِيَّةً؟

سؤال

«الْحَسَدُ يَأْكُلُ الْإِيمَانَ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ.»

- أ) الإِيمَانُ      ب) الْحَسَدُ      ج) الْحَطَبُ      د) النَّارُ

در عبارت مزبور دو فعل وجود دارد «يَأْكُلُ و تَأْكُلُ» که فعل «تَأْكُلُ» مؤنث است، لذا کلمه « النَّارُ » که بعد از آن آمده قاعدهً انجام دهنده کار است و با آن مطابقت می کند، اما چون علامت تأنیث ندارد مؤنث معنوی است.

جواب

❖ تقسیم اسم از لحاظ عدد ( مفرد ، مثنی و جمع )

مفرد

اسمی که بر یک فرد ، یا یک چیز دلالت کند و علامت خاصی ندارد؛ مانند:  
المؤمن ( یک مرد با ایمان ) ، المؤمنة ( یک زن با ایمان ).

مثنی

اسمی که بر دو فرد ، یا دو چیز دلالت کند و دو علامت دارد؛ « انِ » ، « ینِ »؛  
مانند: المؤمنانِ ، المؤمنینِ ( دو مرد مؤمن ) ، المؤمناتِ ، المؤمنتینِ ( دو زن مؤمنه ).

جمع

اسمی که بر بیش از دو فرد، یا دو چیز دلالت نماید و بر دو نوع است:

۱- جمع سالم: { أ } جمع مذکر سالم : دو علامت دارد؛ « وَنَ » و « ینَ »  
مانند: المؤمنونَ و المؤمنینَ ( مردانِ با ایمان ).  
{ ب } جمع مؤنث سالم : یک علامت دارد؛ « ات »  
مانند: المؤمنات ( زنانِ با ایمان ).

۲- جمع مکسر یا تکسیر:  
علامت خاصی ندارد و از شکسته شدن حروفِ آن کلمه ساخته می شود؛  
مانند: المسجِد ← ( جمع تکسیر: المساجد ).

نکته

@arabic\_yazdahom

- ۱- تاء گرد ( ة ) در مثنی به تاء کشیده (ت) تبدیل می شود؛ مانند: « الجَنَّةُ » ← « الجنَّتانِ » ، « الجنَّتینِ » .
- ۲- تاء تأنیث در جمعهای مؤنث سالم حذف می شود اما در برگرداندن آن به مفرد باید تاء تأنیث را به کلمه برگردانیم؛  
مانند: « المؤمنة » ← ( جمع مؤنث: « المؤمنات » ) و « المسلمات » ← ( مفرد: « المسلمة » ).
- ۳- حرکت در نون مثنی کسره ( ـِ ) و در جمع مذکر فتحه ( ـَ ) می باشد؛ مانند: المؤمنینِ و المؤمنینَ .
- ۴- برخی از کلمات آخرشان شبیه مثنی است اما آنها مثنی نیستند؛ مانند: دَوْران ، عَطْشان ، ایمان ، آمین و ...
- ۵- گاهی در انتهای کلماتی که جمع مکسر هستند علامتی شبیه نشانه های جمع سالم دیده می شود اما به دلیل ناقص شدن کلمه با حذف این علامتها، سالم نبودن آن کلمات برای ما روشن می گردد؛  
مانند: « أبیات ، مساکین ، میادین ، مضامین » که جمع مکسر « بَیت ، مسکین ، میدان و مضمون » هستند.

سؤال

- ۷- در کدام گزینه جمع سالم و یا جمع مکسر وجود ندارد؟
- أ ) خَیْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا .  
ب ) عَدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَیْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ .  
ج ) أَوْلَیْكَ الْمُجَاهِدُونَ ، صَابِرُونَ .  
د ) فِي كُتُبِ الْقِصَصِ عِبْرٌ لِلْأَطْفَالِ .

جواب

- در گزینه « أ » « الْأُمُور » جمع مکسر ، در گزینه « ج » « الْمُجَاهِدُونَ وَ صَابِرُونَ » ، جمع مذکر سالم ،  
در گزینه « د » « الْقِصَص » و « الْأَطْفَال » جمع مکسر هستند؛ لذا گزینه « ب » درست می باشد.

سؤال

- ۸- در کدام گزینه جمع سالم و یا جمع مکسر وجود ندارد؟
- أ ) الْجَهْلُ مَوْتُ الْأَحْيَاءِ .  
ب ) هُوَلَاءِ اللَّاعِبَاتِ ، فَائِزَاتُ .  
ج ) وَقَعَتِ السَّمَكَةُ فِي شَبَكَةِ الصَّيَادِينَ .  
د ) النَّظْرُ فِي وَجْهِ الْوَالِدِينَ عِبَادَةٌ .

جواب

.....  
.....  
.....

(سراسری انسانی ۷۱)

۹- فِي أَيِّ الْأَجْوِبَةِ تَكُونُ الـ « تاء » مِنَ الْحُرُوفِ الْأَصْلِيَّةِ لِلْكَلِمَةِ؟

سؤال

(أ) أبيات (ب) آلات (ج) حاسبات (د) لحظات

در گزینه « أ » اگر « ات » را برداریم و « تاء » تأنیث به آن اضافه کنیم کلمه « أبتة » می تواند مفرد « أبيات » به معنای بیت ها باشد چون ناقص است، اما در گزینه های دیگر چنین اتفاقی نمی افتد با توجه به اینکه « تاء » تأنیث را به مفرد آن می افزاییم: « آله ، حاسبة ، لحظة »، لذا « ت » در « أبيات » جزء ریشه کلمه است.

جواب

❖ اسم اشاره

در زبان عربی همانند زبان فارسی برای اشاره به کسی یا چیزی از اسم اشاره استفاده می شود که آنها را در جدول زیر ملاحظه می کنید.

@arabic\_yazdahom

« جدول اسم اشاره »								
اشاره برای مکان		اشاره برای دور			اشاره برای نزدیک			جنس عدد
دور	نزدیک	ترجمه	مونث	مذکر	ترجمه	مونث	مذکر	
هُنَاكَ (آنجا)	هُنَا (اینجا)	آن	تِلْكَ	ذَلِكَ	این	هذه	هذا	مفرد
		_____			این دو	هاتان ، هاتین	هذان ، هذین	مثنی
		آنها	أولئك	اینها	هؤلاء	جمع		

✓ برای اشاره به جمع غیر عاقل ( حیوانات ، اشیاء و ... ) از اسم اشاره مفرد مؤنث استفاده می شود؛ مانند: هَذِهِ الْحَدَائِقُ جَمِيلَةٌ. این باغها زیباست.

بنابر این اسم اشاره جمع ( هؤلاء و أولئك ) فقط برای اشاره به جمع عاقل به کار برده می شود؛ مانند: هؤلاء اللاعبين، فائزون في المسابقات. این بازیکنان، در مسابقات پیروز هستند.

✓ چنانچه کلمه ای که بعد از اسم اشاره می آید دارای « أل » باشد، اسم اشاره به صورت مفرد ترجمه شده و کلمه یا کلمات بعد از آن، جمله را کامل می کنند؛ مانند:

هؤلاء الطالبات، ناجحات في مسابقة حفظ القرآن. این دانش آموزان، در مسابقه حفظ قرآن موفق هستند.

(سراسری تجربی ۸۶)

۱۰- عَيِّنِ الْخَطَأَ:

سؤال

(أ) لهؤلاء النساء أطفال صغيرة: اینان زنانی هستند که کودکان کوچکی دارند.

(ب) جائزة اولئك التلاميذ ذهب إلى المحتف: جایزه آن دانش آموزان رفتن به موزه است.

(ج) لم يخرج المعلم هؤلاء الطلاب حتى الآن: معلم تاکنون این دانش آموزان را اخراج نکرده است.

(د) نجاه المؤمن في أداء هذه الأعمال: نجات مؤمن در انجام این کارها است.

در گزینه « أ » « أشار إليه یعنی « النساء » دارای « أل » است بنابر این اسم اشاره باید به صورت مفرد ترجمه شود و ادامه جمله آن را تکمیل کند: این زنان، کودکان کوچکی دارند.

جواب

۱۱- در کدام عبارت اسم اشاره درست به کار نرفته است؟

سؤال

(أ) في تلك السيارة حقايب المسافرين.

(ب) هذان الشجرتان، بلا ثمر.

(ج) أولئك الأولاد، لاعبون ممتازون.

(د) هذه البنت الصغيرة أخت سينا.

جواب

ضمیر کلمه ای است که جانشین اسم می شود و خود نیز یکی از اسمها به حساب می آید ولی نشانه هایی ذکر شده برای اسم را ندارد. ضمیر بر چهار نوع است. دو نوع از ضمائر را که بیشتر خوانده ایم در اینجا ملاحظه می کنید:

ضمیر متصل			ضمیر منفصل		
نام صیغه	فارسی	عربی	نام صیغه	عربی	فارسی
لِلْمُتَكَلِّمِ وَحْدَهُ	م - مرا	ي	مفرد مذکر یا مؤنث	أَنَا	من
لِلْمُخَاطَبِ	ت - تو را	كَ	مفرد مذکر	أَنْتَ	تو
لِلْمُخَاطَبَةِ		كِي	مفرد مؤنث	أَنْتِ	
لِلْغَائِبِ	ش - او را	هُ	مفرد مذکر	هُوَ	او
لِلْغَائِبَةِ		هَا	مفرد مؤنث	هِيَ	
لِلْمُتَكَلِّمِ مَعَ الْغَيْرِ	مان - ما را	نَا	مثنی و جمع مذکر یا مؤنث	نَحْنُ	ما
لِلْمُخَاطَبِينَ	تان - شما را	كُما	مثنی مذکر	أَنْتُمْ	شما
لِلْمُخَاطَبَاتِ		كُما	مثنی مؤنث	أَنْتُمْ	
لِلْمُخَاطَبِينَ		كُمْ	جمع مذکر	أَنْتُمْ	
لِلْمُخَاطَبَاتِ		كُنَّ	جمع مؤنث	أَنْتُنَّ	
لِلْغَائِبِينَ	شان - ایشان را	هُما	مثنی مذکر	هُمَا	ایشان
لِلْغَائِبَاتِ		هُما	مثنی مؤنث	هُمَا	
لِلْغَائِبِينَ		هُم	جمع مذکر	هُم	
لِلْغَائِبَاتِ		هُنَّ	جمع مؤنث	هُنَّ	

**نکته**

۱- ضمیر منفصل معمولاً در ابتدای جمله می آید و ضمیر متصل بعد از کلمه آمده و به آن می چسبد.  
 ۲- چنانچه حرف ماقبل ضمائر متصل « هُ - هُما - هُم - هُنَّ » ساکن یا مکسور باشد، ضمائر مذکور به صورت « ه - هِما - هِم - هِنَّ » آورده می شود؛ مانند: بِهِمْ ، عَلَيْهِمْ.

**سؤال** ۱۲- کدام ضمائر برای تکمیل جاهای خالی عبارت زیر مناسب است؟  
 أَيُّهَا الطُّلَّابُ، ..... قَرَأْتُمْ دُرُوسًا.....

أ) هِيَ - ها      ب) نَحْنُ - نا      ج) أَنْتُمْ - كُمْ      د) هُمْ - هُم

با توجه به کلمه « الطُّلَّابُ » که جمع مکسر کلمه « الطَّالِب » است و فعل « قَرَأْتُمْ » که جمع مذکر مخاطب است گزینه « ج » برای جاهای خالی مناسب می باشد.

شبهتهایی که بین ضمائر، اسمها و أفعال وجود دارد ما را در انتخاب آنها کمک می نماید؛ مانند شباهت ضمائر به فعل ماضی: أَنْتَ قَرَأْتَ دُرُوسًا ، أَنْتُمْ قَرَأْتُمْ دُرُوسًا و ..... و مانند شباهت اسمهای مثنی و جمع مذکر سالم به فعل مضارع: الطُّلَّابَانِ يَذْهَبَانِ ، الطُّلَّابَاتَانِ يَذْهَبَانِ ، الطُّلَّابُونَ يَذْهَبُونَ و .....

**سؤال** ۱۳- کدام ضمائر برای تکمیل جاهای خالی عبارت زیر مناسب است؟  
 أَيُّهَا السَّيِّدَاتُ، ..... سَمِعْتُنَّ صَوْتِ أَطْفَالٍ.....

أ) هِيَ - ها      ب) هُنَّ - هُنَّ      ج) أَنْتُنَّ - كُنَّ      د) أَنْتُمْ - كُنَّ

.....  
 .....

**سؤال** ۱۴- عَيِّنِ الضَّمَائِرَ الْمُتَّصِلَةَ فِي الْعِبَارَةِ التَّالِيَةِ:  
 «أَنْتِ يَا أَيُّهَا التَّلْمِيذَةُ الَّتِي اجْتَهَدْتِ فِي دُرُوسِكَ، اِعْتَزَلِي عَنِ الرِّدَائِلِ فَهِيَ مُهْلِكَةٌ لَكَ.»

أ) ها - تِ - كِ - ي      ب) أَنْتِ - كِ - ي      ج) ها - كِ - ي      د) تِ - كِ - ي      كِ

«ها» در « أَيُّهَا » ضمیر نیست، حرفی است و « أَنْتِ » ضمیر متصل است لذا جواب گزینه « د » است.

## ❖ وزن در کلمات عربی

زبان عربی زبانی اشتقاقی است یعنی از يك کلمه ، کلمه های دیگری ساخته می شود مانند کلمه « عِلْم » که از آن کلماتی چون: عَالِم ، علوم ، أَعْلَم ، عَلَّامه و ... ساخته می شود لذا شناخت وزن کلمات می تواند ما را در تشخیص و یا ایجاد انواع کلمه یاری نماید. برای تعیین وزن يك کلمه بهترین راه این است که ابتدا آن کلمه را بخش نمائیم، سپس وزن آن را بیاوریم؛ حروفی که در مقابل « ف ، ع ، ل » قرار می گیرد به عنوان حروف اصلی (ریشه) و حروفی که عیناً تکرار می شود به عنوان حروف زائد در آن کلمه تعیین می گردد؛

مانند:

حروف اصلی	خ	ر	ج	إِسْ	تَخْ	رَاج	إِسْتِخْرَاج
حروف زائد	إِ	س	ت	ا	إِسْ	تَفْ	

توجه: به اولین حرف اصلی، چون در مقابل حرف « ف » قرار می گیرد، « فاء الفعل »، به دومین حرف اصلی، چون در مقابل حرف « ع » قرار می گیرد، « عين الفعل » و به سومین حرف اصلی، چون در مقابل حرف « ل » قرار می گیرد، « لام الفعل » می گویند.

۱۵- در کدام گزینه تمام کلمات از یک ریشه (حروف اصلی) نیستند؟

- (أ) حَاكِم ، مَخْكُوم ، حَاكِم .  
 (ب) عَلِيم ، تَعْلِيم ، أَعْلَم .  
 (ج) عَالِم ، مَعْلُوم ، يَعْمَل .  
 (د) ضَارِب ، مَضْرُوب ، يَضْرِب .

در گزینه « ج » کلمات « عَالِم و مَعْلُوم » از حروف اصلی « ع ل م » و کلمه « يَعْمَل » از حروف اصلی « ع ل م » می باشد؛ لذا جواب گزینه « ج » است.

۱۶- در کدام گزینه وزن کلمات صحیح نیست؟

- (أ) إِحْسَان (إِفْعَال) ، إِجْتِهَاد (إِفْتِعَال)  
 (ب) تَكْبِير (تَفْعِيل) ، تَعْلَم (تَفْعَل)  
 (ج) مُجَالَسَة (مُفَاعَلَة) ، تَظَاهَر (تَفَاعَل)  
 (د) إِسْتِمَاع (إِسْتِفْعَال) ، اِنْتِظَار (انْفِعَال)

۱۷- عَيْنُ حَرْفِ « النون » لَيْسَتْ مِنَ الحُرُوفِ الأَصْلِيَّةِ لِلْفِعْلِ: (سراسری هنر ۹۵)

- (أ) اِنْكَسَرَ اِلْنَاءُ الرِّجَاجِي بِيَدِ الطِّفْلِ عَفْلَةً!  
 (ب) رَائِحَةُ الأَزْهَارِ الطَّيِّبَةِ اِنْتَشَرَتْ فِي سَاحَةِ دَارِنَا!  
 (ج) اِنْتَحَبْتُ حَمْسَ مَقَالَاتٍ مِنْ بَيْنِ عَشْرَةِ كُتُبٍ لِمَطَالَعَتِي!  
 (د) قَالَ اللهُ تَعَالَى اُنْعَمْتُكَ بِأَكْثَرِ مِنْ مَائَتِي نِعْمَةً، فَلِمَاذَا لَا تَشْكُرُنِي!

برای بدست آوردن حروف اصلی باید وزن را بشناسیم؛ فعل « اِنْكَسَرَ » در جمله اول بر وزن « اِنْفَعَلَ » حروف « كسر » در برابر حروف اصلی « فعل » قرار می گیرد لذا « نون » جزء حروف زائده و جواب گزینه است، اما فعلهای « اِنْتَشَرَ و اِنْتَحَبَ » در جمله دوم و سوم بر وزن « اِفْتَعَلَ » ، به ترتیب حروف اصلی « نشر و نخب » در برابر حروف اصلی « فعل » قرار می گیرند لذا « نون » جزء حروف اصلی کلمه است؛ علت اینکه چرا فعل « اِنْكَسَرَ » بر وزن « اِنْفَعَلَ » و فعلهای « اِنْتَشَرَ و اِنْتَحَبَ » بر وزن « اِفْتَعَلَ » آمده این است که در فعلهای دوم و سوم بعد از « اِن » حرف « ت » آمده، لذا بر وزن « اِفْتَعَلَ » می باشد که در وزن هم بعد از « اِف » حرف « ت » آمده است ، اما در فعل اول اینچنین نیست. و در جمله چهارم فعل « اُنْعَمَ » بر وزن « اَفْعَلَ » و فعل « يَشْكُرُ » بر وزن « يَفْعَلُ » حروف اصلی آنها به ترتیب « نعم » و « شکر » می باشد.



## ❖ اقسام فعل

ماضی (ماضی ساده) : فعلی که بر انجام کار یا پدید آمدن حالت در زمان گذشته دلالت کند؛ مانند: ذَهَبَ (رفت).

مُضارع : فعلی که بر انجام کار یا پدید آمدن حالت در زمان حال و یا آینده دلالت کند؛ مانند: يَذْهَبُ (می رود).

أمر : فعلی که توسط آن ایجادِ فعل ، در آینده طلب می شود؛ مانند: اِذْهَبْ ( برو).

روش ساختن فعل امر:

فعل امر از فعل مضارع مخاطب به ترتیب زیر ساخته می شود:

۱- حرف مضارعه یا همان ( ت ) را از اول فعل حذف می کنیم.

۲- چنانچه بعد از حذف حرف مضارعه، حرف بعدی ساکن باشد، از آنجایی که کلمات ابتداء به سکون خوانده می شوند به اول آن همزه ( اَ - اِ - اُ ، اُ ، اُ ، اَ - اِ - اُ ) می افزاییم و حرکت آن را با توجه به حرکت دومین حرف اصلی فعل ( عین الفعل ) به صورتی که توضیح داده می شود، قرار می دهیم.

**توضیح** اگر دومین حرف اصلی فعل ( عین الفعل ) حرکت ضمه ( ُ ) داشته باشد، حرکت همزه را ضمه ( اُ ) و اگر دومین حرف اصلی فعل ( عین الفعل ) حرکت فتحه ( َ ) یا کسره ( ِ ) داشته باشد به همزه حرکت کسره ( اِ - اِ ) می دهیم.

۳- آخر فعل را به شکلی که توضیح داده می شود، مجزوم می کنیم.

**توضیح** در اولین صیغه مخاطب از فعل مضارع به جای ضمه ( ُ )، علامت سکون ( ْ ) قرار می دهیم و در بقیه صیغه ها حرف نون را از آخر آن حذف می کنیم بجز صیغه جمع مؤنث؛ زیرا نون جمع مؤنث نون ضمیر است و حذف نمی شود؛ مانند:

( تَجَلَّسْ ← اِجْلِسْ ) ، ( تَجَلَّسُونَ ← اِجْلِسُوا ) ، ( تَجَلَّسْنَ ← اِجْلِسْنَ ) ، ( تَخْرُجْ ← اُخْرُجْ ) ، ( تَخْرُجْنَ ← اُخْرُجْنَ )

علاوه بر فعلهای مذکور فعلهای دیگری نیز وجود دارد که از فعل ماضی و یا مضارع ساخته می شود؛ از جمله:

ماضی منفی (ما + ماضی): با آمدن حرف « ما » بر سر فعل ماضی ، فقط معنای آن منفی می شود؛ مانند:

ماذَهَبَ = نرفت.

ماضی استمراری (کان + مضارع): با آمدن فعل « کان » بر سر فعل مضارع، این فعل به زمان ماضی استمراری ( می + بن ماضی + شناسه ) ترجمه می شود؛ مانند: کان يَذْهَبُ = می رفت.

نهی: با آمدن حرف « لا » بر سر فعل مضارع، آخر این فعل همانند آخر فعل امر مجزوم می گردد و به صورت نهی ( ن + بن مضارع + شناسه ) ترجمه می شود؛ مانند: لا تَذْهَبْ = نرو.

نفی ( مضارع منفی): با آمدن حرف « لا » بر سر فعل مضارع ، فعل مضارع فقط به صورت منفی ترجمه می شود و در اعراب آن تغییری ایجاد نمی شود؛ مانند: لا تَذْهَبْ = نمی روی.

مستقبل: که با آمدن حرف « سَ » و « سَوْفَ » بر سر فعل مضارع این فعل به صورت آینده ترجمه می شود؛ مانند : سَيَذْهَبُ = خواهد رفت ، سَوْفَ أَكْتُبُ : خواهم نوشت.

## نکته

۱- اگر انجام دهنده کار مثنی یا جمع باشد، فعلی که قبل از آن می آید همیشه مفرد است ولی به صورت مثنی یا جمع ترجمه می شود؛ مانند: يَذْهَبُ الطَّلَابُ إِلَى سَفَرَةٍ عِلْمِيَّةٍ. دانش آموزان به سفر علمی می روند. و چنانچه فعل بعد از انجام دهنده کار بیاید با آن مطابقت می کند؛

مانند: الْمُؤْمِنُونَ يَصْدُقُونَ وَ لَا يَكْذِبُونَ فِي الْحَيَاةِ. مؤمنان راست می گویند و در زندگی دروغ نمی گویند.

۲- هر کلمه ای که قبل از آن یکی از حروف « قَد » ، « لَمْ » ، « سَ » و یا « سَوْفَ » باشد حتماً فعل است.

۳- اگر در آخر فعلی، حرف « تْ » یا ضمائر « تْ » ، « تِ » ، « تَا » ، « تُمْ » ، « تُنَّ » ، « تْ » و « نا » بیاید حتماً « فعل ماضی » است و فعل مضارع نیز با یکی از حروف « يَ » ، « تَ » ، « اَ » ، « نَ » آغاز می شود.

نمونه ای از تصریف فعل ماضی و مضارع						
فارسی		نام صیغه	ماضی	ترجمه	مضارع	ترجمه
من	مفرد مذکر یا مؤنث	لِلْمُتَكَلِّمِ وَحْدَهُ	ذَهَبْتُ	رفتم	أَذْهَبُ	می روم
تو	مفرد مذکر	لِلْمُخَاطَبِ	ذَهَبْتَ	رفتگی	تَذْهَبُ	می روی
	مفرد مؤنث	لِلْمُخَاطَبَةِ	ذَهَبْتِ		تَذْهَبِينَ	
او	مفرد مذکر	لِلْغَائِبِ	ذَهَبَ	رفت	يَذْهَبُ	می رود
	مفرد مؤنث	لِلْغَائِبَةِ	ذَهَبَتْ		تَذْهَبُ	
ما	مثنی و جمع مذکر یا مؤنث	لِلْمُتَكَلِّمِ مَعَ الْغَيْرِ	ذَهَبْنَا	رفتیم	نَذْهَبُ	می رویم
شما	مثنی مذکر	لِلْمُخَاطَبَيْنِ	ذَهَبْتُمَا	رفتید	تَذْهَبَانِ	می روید
	مثنی مؤنث	لِلْمُخَاطَبَتَيْنِ	ذَهَبْتُمَا		تَذْهَبَانِ	
	جمع مذکر	لِلْمُخَاطَبِينَ	ذَهَبْتُمْ		تَذْهَبُونَ	
	جمع مؤنث	لِلْمُخَاطَبَاتِ	ذَهَبْتُنَّ		تَذْهَبْنَ	
ایشان	مثنی مذکر	لِلْغَائِبَيْنِ	ذَهَبَا	رفتند	يَذْهَبَانِ	می روند
	مثنی مؤنث	لِلْغَائِبَتَيْنِ	ذَهَبَتَا		تَذْهَبَانِ	
	جمع مذکر	لِلْغَائِبِينَ	ذَهَبُوا		يَذْهَبُونَ	
	جمع مؤنث	لِلْغَائِبَاتِ	ذَهَبْنَ		يَذْهَبْنَ	
نمونه ای از تصریف فعل امر و نهی						
فارسی		نام صیغه	امر	ترجمه	نهی	ترجمه
تو	مفرد مذکر	لِلْمُخَاطَبِ	إِذْهَبْ	برو	لَا تَذْهَبْ	نرو
	مفرد مؤنث	لِلْمُخَاطَبَةِ	إِذْهَبِي		لَا تَذْهَبِي	
شما	مثنی مذکر	لِلْمُخَاطَبَيْنِ	إِذْهَبَا	بروید	لَا تَذْهَبَا	نروید
	مثنی مؤنث	لِلْمُخَاطَبَتَيْنِ	إِذْهَبَا		لَا تَذْهَبَا	
	جمع مذکر	لِلْمُخَاطَبِينَ	إِذْهَبُوا		لَا تَذْهَبُوا	
	جمع مؤنث	لِلْمُخَاطَبَاتِ	إِذْهَبْنَ		لَا تَذْهَبْنَ	

جدول تصریف فعل « كَان »:

لِلْمُتَكَلِّمِ وَحْدَهُ	لِلْمُخَاطَبِ	لِلْمُخَاطَبَةِ	لِلْغَائِبِ	لِلْغَائِبَةِ	لِلْمُتَكَلِّمِ مَعَ الْغَيْرِ	لِلْمُخَاطَبَيْنِ	لِلْمُخَاطَبَتَيْنِ	لِلْمُخَاطَبِينَ	لِلْمُخَاطَبَاتِ	لِلْغَائِبَيْنِ	لِلْغَائِبَتَيْنِ	لِلْغَائِبِينَ	لِلْغَائِبَاتِ
كُنْتُ	كُنْتَ	كُنْتِ	كَانَ	كَانَتْ	كُنَّا	كُنْتُمَا	كُنْتُمَا	كُنْتُمْ	كُنْتُنَّ	كَانَا	كَانَتَا	كَانُوا	كَانُنَّ
من	تو	او	ما	شما	ایشان								

۱۸- در کدام گزینه فعل درست به کار نرفته است؟

سؤال

- ( أ ) أَحَبَّ إِدِيسُونُ عِلْمَ الْكِيمِيَاءِ فِي صِغَرِهِ.  
 ( ب ) السَّفِينَةُ انْكَسَرَتْ قَلِيلًا وَلَكِنَّهَا مَا عَرِقَتْ.  
 ( ج ) الْجِيرَانُ يَجْلِسَانِ عَلَى الْيَمِينِ.  
 ( د ) أَوْلَتِكَ الْجَارَاتُ يَرْجِعْنَ مِنَ الضِّيَاقَةِ.

در گزینه « ج » کلمه « الجيران » جمع مکسر « الجار » است و فعلی که بعد از آن می آید باید جمع مذکر ( يَجْلِسُونَ ) باشد؛ لذا فعل « يَجْلِسَانِ » که مثنی مذکر غائب است درست نمی باشد.

جواب

۱۹- در کدام گزینه فعل درست به کار نرفته است؟

سؤال

- ( أ ) ﴿ رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴾  
 ( ب ) لَيْسَ أُمِّي خَامَهَا الذَّهَبِيَّ فِي حَفْلَةِ مِيلَادِي.  
 ( ج ) ﴿ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا... ﴾  
 ( د ) الْفَلَّاحَانِ يَزْرَعَانِ الرَّزْءَ فِي الرَّبِيعِ.

جواب

۲۰- فعل مناسب برای عبارت «سَمِعْتُ رِجَالًا..... عَنِ يَوْسُفَ» کدام است؟ (سراسری ریاضی ۷۲)

سؤال

(أ) تَتَحَدَّثُونَ (ب) يَتَحَدَّثُونَ (ج) يَتَحَدَّثُ (د) تَتَحَدَّثُ

کلمه « رِجَالًا » جمع مُكْسَر « رَجُل » است و فعلی که بعد از آن می آید باید جمع مذکر باشد؛ و از آنجائی که فعل به همراه اسم آمده است باید از سوم شخص جمع استفاده کنیم یعنی صیغه جمع مذکر غائب (يَتَحَدَّثُونَ)

جواب

۲۱- عَيَّنَ الصَّحِيحَ لِلْفِرَاقِ: «كُلُّكُمْ..... خَبَرَ انتصار مُقاتلي الإسلام» (سراسری انسانی ۸۰)

سؤال

(أ) سَمِعْنَا (ب) سَمِعْتُمْ (ج) سَمِعْنَا (د) سَمِعْتُمْ

ضمیر « كُمْ » در « كُلُّكُمْ » صیغه جمع مذکر مخاطب (للمخاطبين) است، بنابر این فعلی را انتخاب می کنیم که همین صیغه باشد یعنی گزینه « ب ».

جواب

۲۲- در کدام گزینه فعل ماضی استمراری به کار رفته است؟

سؤال

(أ) كَانَ إِدِيسُونُ فِي السَّابِعَةِ مِنْ عُمُرِهِ. (ب) كَانَتْ سَفَرَتُنَا الْعِلْمِيَّةَ مُفِيدَةً.  
(ج) كَانَ الْعَمَالُ يَصْنَعُونَ بَيْتًا. (د) كَانَتْ أُخْتِي قَدْ سَاعَدَتْ جَدَّتَنَا.

جواب

## ❖ اعداد اصلی و ترتیبی

به عددهای واحد ( یک ) ، اثنان و اثنین ( دو ) ، ثلاث ( سه ) ، أربع ( چهار ) ، خمس ( پنج ) ، ست ( شش ) ، سبع ( هفت ) ، ثماني ( هشت ) ، تسع ( نه ) ، عشر ( ده ) ، أحد عشر ( یازده ) ، اثنا عشر و اثني عشر ( دوازده ) اعداد اصلی و به عددهای الأول ( یکم ) ، الثاني ( دوم ) ، الثالث ( سوم ) ، الرابع ( چهارم ) ، الخامس ( پنجم ) ، السادس ( ششم ) ، السابع ( هفتم ) ، الثامن ( هشتم ) ، التاسع ( نهم ) ، العاشر ( دهم ) ، الحادي عشر ( یازدهم ) ، الثاني عشر ( دوازدهم ) اعداد ترتیبی می گویند.

✓ مؤنث این اعداد به شکل ذیل است:

اعداد اصلی: واحدة ( یک ) ، اثنان و اثنین ( دو ) ، ثلاثة ( سه ) ، أربعة ( چهار ) ، خمسة ( پنج ) ، ستة ( شش ) ، سبعة ( هفت ) ، ثمانية ( هشت ) ، تسعة ( نه ) ، عشرة ( ده ) ، إحدى عشرة ( یازده ) ، اثنا عشرة و اثنتي عشرة ( دوازده )  
اعداد ترتیبی: الأولى ( یکم ) ، الثانية ( دوم ) ، الثالثة ( سوم ) ، الرابعة ( چهارم ) ، الخامسة ( پنجم ) ، السادسة ( ششم ) ، السابع ( هفتم ) ، الثامنة ( هشتم ) ، التاسعة ( نهم ) ، العاشرة ( دهم ) ، الحادية عشرة ( یازدهم ) ، الثانية عشرة ( دوازدهم )

## ❖ ساعت

برای اعلام ساعت از اعداد ترتیبی استفاده می شود اما به صورت اصلی ترجمه می شود؛ مانند:

كَمْ السَّاعَةُ الْآنَ؟ الْتَّاسِعَةُ تَمَامًا. (الآن ساعت چند است؟)

الْخَامِسَةُ تَمَامًا / الْوَاحِدَةُ وَ الرَّبْعُ / الثَّامِنَةُ وَ النِّصْفُ / السَّادِسَةُ إِلَّا رُبْعًا

پنج تمام / یک و ربع / هشت و نیم / یک ربع مانده به شش

## ❖ رنگها

معمولاً رنگ ها در زبان عربی در مذکر بر وزن أَفْعَل و مؤنث بر وزن فَعْلَاء می آید:

أَزْرَقُ - زَرْقَاءُ ( آبی ) ، أَخْضَرُ - خَضْرَاءُ ( سبز ) ، أَصْفَرُ - صَفْرَاءُ ( زرد ) ، أَبْيَضُ - بَيْضَاءُ ( سفید ) ، أَسْوَدُ - سُودَاءُ ( سیاه ) ، أَحْمَرُ - حَمْرَاءُ ( قرمز ).

## ❖ فصلها

« الرَّبِيعُ ( بهار ) ، الصَّيْفُ ( تابستان ) ، الخَرِيفُ ( پاییز ) ، الشِّتَاءُ ( زمستان ).

## ❖ ایام هفته

السَّبْتُ ( شنبه ) ، الأَحَدُ ( یکشنبه ) ، الاثْنَيْنِ ( دو شنبه ) ، الثَّلَاثَاءُ ( سه شنبه ) ، الأَرْبِعَاءُ ( چهارشنبه ) ، الخَمِيسُ ( پنجشنبه ) ، الجُمُعَةُ ( جمعه ).

❖ کلمات پرسشی

در زبان عربی به کلمات پرسشی اسم یا حرف استفهام می گویند که به نمونه هایی از آنها و پاسخ مناسب به این کلمات اشاره می گردد:

اسم یا حرف استفهام	ترجمه	پاسخ
« أ » و « هل »	آیا	نَعَمْ و لا ؛ مانند: هَلْ عِنْدَكَ قَلَمٌ أَزْرَقُ؟ لا؛ عِنْدِي قَلَمٌ أَخْضَرُ.
« مَنْ + ضمیر » « مَنْ هُوَ » ، « مَنْ هِيَ »	چه کسی	نام ، حرفه یا نسبت اشخاص؛ مانند: مَنْ أَنْتَ؟ أَنَا مُدِيرُ الْمَكْتَبَةِ.
« لِمَنْ »	مال کیست	ل + نام یا عنوان اشخاص؛ مانند: لِمَنْ، تِلْكَ السَّيَّارَةُ؟ لِمُدِيرِ الْمَدْرَسَةِ.
« ما » ، « ماذا » « ما هُوَ » و « ما هِيَ »	چه ، چه چیز و چیست	نام و یا عناوین اشخاص ، اشیاء و ... ؛ مانند: ما هَذَا؟ هَذَا عِنَبٌ. و مانند: ماذا عَلَى الْمِنْصَدَةِ؟ جَوَّالٌ أَخِي.
« لِماذا »	چرا	لِ یا لِأَنَّ ( زیرا ) + بیان علت؛ مانند: لِمَاذَا تَكْتَبَانِ دَرَسَكُمَا خَارِجَ الْعُرْفَةِ؟ لِأَنَّ الْجَوَّ لَطِيفٌ جَدًّا.
« أَيْنَ »	کجا	از مکان ها و جهت ها مثل قَوْقُ ، تَحْتُ ، أَمَامَ ، خَلْفَ ، جَنْبَ ، عِنْدَ ، حَوْلَ ، بَيْنَ ، فِي ، عَلَى ، هُنَا ، هُنَاكَ و ... استفاده می شود؛ مانند: أَيْنَ السَّفِينَةُ؟ فِي الْخَلِيجِ الْفَارِسِيِّ.
« مِنْ أَيْنَ »	از کجا ، اهل کجا ، کجایی	نام شهر ، روستا ، کشور و ... ؛ مانند: مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟ أَنَا مِنْ إِيْرَانِ ( أَنَا إِيْرَانِيٌّ )
« مَتَى »	کی ، چه وقت	شامل زمان شود؛ مثل: الْيَوْمَ ، أَمْسَ ، غَدَ ، صَبَاحَ ، مَسَاءَ ، لَيْلَ ، قَبْلَ ... ، بَعْدَ ... و ... مانند: مَتَى تَلْعَبُ كُرَّةَ الْمِنْصَدَةِ؟ أَلْعَبُ بَعْدَ دَقِيقَةٍ.
« كَمْ »	چند ، چقدر	از اعداد و مقادیر استفاده می شود؛ مانند: كَمْ لَاعِبًا فِي الصُّورَةِ؟ سِتَّةٌ.
« أَيُّ »	کدام	انتخاب يك مورد از چند مورد یا یک موضوع از چند موضوع؛ مانند: أَيُّ شُغْلٍ مُهِمٍّ بِرَأْيِكَ؟ الطَّبُّ مِهْنَةٌ مُهِمَّةٌ.
« كَيْفَ »	چگونه	کیفیت و حالت بیان می شود؛ مانند: كَيْفَ حَالُكَ؟ الْحَمْدُ لِلَّهِ ، أَنَا بِخَيْرٍ.

۲۳- جواب صحیح سؤال « كَمْ قُلٌّ فِي بَدَايَةِ سُورَةِ الْقُرْآنِ؟ » کدام گزینه است؟

- سؤال
- ( أ ) ثَلَاثَةٌ ( ب ) أَرْبَعَةٌ ( ج ) سَبْعَةٌ ( د ) عَشْرَةٌ
- با توجه به اینکه چهار سوره از سوره های قرآن کریم با کلمه « قُلٌّ » شروع می شود، گزینه « ب » یعنی عدد « چهار » را انتخاب می کنیم.
- جواب

۲۴- جواب صحیح سؤال « كَمْ أُسْبُوعًا فِي الشَّهْرِ؟ » کدام گزینه است؟

- سؤال
- ( أ ) ثَلَاثَةٌ ( ب ) أَرْبَعَةٌ ( ج ) سَبْعَةٌ ( د ) عَشْرَةٌ
- جواب



۲۵- جواب صحیح سؤال « کَمِ السَّاعَةِ الْآنَ؟ » کدام گزینه است؟

- (أ) الثَّالِثَةُ وَ الرَّبِيعُ  
(ب) الثَّالِثَةُ إِلَّا رُبْعاً  
(ج) أَلْوَاحِدَةُ وَ الرَّبِيعُ  
(د) أَلْوَاحِدَةُ إِلَّا رُبْعاً

با توجه به اینکه ساعت یک و ربع است گزینه « ج » را انتخاب می کنیم که کلمه « الرَّبِيعُ » بعد از « أَلْوَاحِدَةُ » و حرف « وَ » آمده است.



۲۶- جواب صحیح سؤال « کَمِ السَّاعَةِ الْآنَ؟ » کدام گزینه است؟

- (أ) أَلثَّامِنَةُ وَ النِّصْفُ  
(ب) أَلثَّامِنَةُ وَ الرَّبِيعُ  
(ج) التَّاسِعَةُ وَ النِّصْفُ  
(د) التَّاسِعَةُ إِلَّا رُبْعاً

.....  
.....

۲۷- کدام گزینه عبارت « لَوْنُ الْعُرَابِ ..... » را کامل می کند؟

- (أ) أْبْيَضُ (ب) أَسْوَدُ (ج) أْخْضَرُ (د) أْصْفَرُ  
با توجه به اینکه رنگ کلاغ سیاه است گزینه « ب » صحیح می باشد.

۲۸- کدام گزینه عبارت « لَوْنُ السَّمَاءِ ..... » را کامل می کند؟

- (أ) أْصْفَرُ (ب) أْحْمَرُ (ج) أْخْضَرُ (د) أْزْرَقُ  
.....  
.....

۲۹- ترتیب فصلهای سال کدام گزینه است؟

- (أ) الرَّبِيعُ ، الْخَرِيفُ ، الصَّيْفُ ، الشِّتَاءُ.  
(ب) الْخَرِيفُ ، الرَّبِيعُ ، الشِّتَاءُ ، الصَّيْفُ.  
(ج) الصَّيْفُ ، الرَّبِيعُ ، الشِّتَاءُ ، الْخَرِيفُ.  
(د) الرَّبِيعُ ، الصَّيْفُ ، الْخَرِيفُ ، الشِّتَاءُ.

.....  
.....

۳۰- جواب صحیح سؤال « أَيْنَ بَيْتِ سَعِيدٍ؟ » کدام گزینه است؟

- (أ) بَعْدَ الظُّهْرِ (ب) إِلَى الْمَدْرَسَةِ (ج) فِي سَاحَةِ انْقِلَابِ. (د) عِنْدَهُ شَارِعٌ.  
با توجه به اینکه با کلمه « أَيْنَ » مکان خانه سعید را می پرسد گزینه « ج » ( میدان انقلاب ) محل سکونت سعید را بیان می کند.

۳۱- جواب صحیح سؤال « لِمَاذَا تَتَعَلَّمُ اللُّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ؟ » کدام گزینه است؟

- (أ) لِأَنَّهَا لُغَةُ الْإِسْلَامِ.  
(ب) لِأَنَّهَا لُغَةُ الْقُرْآنِ.  
(ج) نَعَمْ؛ اللُّغَةُ الْعَرَبِيَّةُ لَنَا.  
(د) أَتَعَلَّمُ اللُّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ فِي الْمَدْرَسَةِ.

.....  
.....

۳۲- عَيِّنِ الْخَطَأَ:

- (أ) دُعِيَتْ هَمَانِي مُعَلِّمَاتٍ إِلَى الْمَرَاثِمِ.  
(ب) عَلَى الْمَنْصَدَةِ وَاحِدَةٌ كِتَابٌ وَ إِثْنَانِ قَلَمَانِ.  
(ج) لِلصَّفِّ أَرْبَعَةُ أَبْوَابٍ وَ نَافِذَتَانِ.  
(د) لِهَذِهِ الصَّفْحَةِ عَشْرَةٌ سَطُورٍ فَقَطْ.

در گزینه « ب » کتاب مذکر است، عدد نیز باید بعد از آن بصورت مذکر بیاید: «کتاب واحد و اثنان قلمان» و همچنین در ادامه عدد دو (اثنان) هم باید بعد از قلمان بیاید: «قلمان اثنان». لذا گزینه « ب » غلط است.

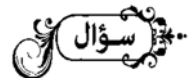
## ❖ ترکیب وصفی و ترکیب اضافی

- ✓ موصوف، اسمی است که برایش یک یا چند ویژگی می آوریم که صفت نامیده می شود؛ مانند:  
 مُخْتَبِرٌ صَغِيرٌ (آزمایشگاهی کوچک)      طَلَابٌ مُجْتَهِدُونَ (دانشجویانی کوشا)  
 همانگونه ملاحظه کردید ویژگی های صفت با موصوف تقریباً یکی است از جمله:  
 جنس ( مذکر و مؤنث ) ، عدد ( مفرد ، مثنی ، جمع ) و حرکات ( -َ -ِ -ُ )
- ✓ توجه: چنانچه موصوف جمع غیر عاقل باشد صفت به صورت مفرد مؤنث می آید؛  
 مانند: الْمَوَادُّ الْكِيمِيَاوِيَّةُ ( مواد شیمیایی )
- ✓ مضاف، اسمی است که به اسم بعد از خودش ( یعنی مضاف الیه ) نسبت داده می شود؛ مانند:  
 مُخْتَبِرُ الْمَدْرَسَةِ ( آزمایشگاه مدرسه )      طَلَابُ الْجَامِعَةِ ( دانشجویان دانشگاه )      صَدِيقِي ( دوست من )  
 همانگونه ملاحظه کردید مضاف « أَل » و « تنوین » می گیرد و مضاف الیه اگر اسم مفرد باشد معمولاً حرکت کسره ( -ِ ) یا تنوین جر ( -ِ ) می گیرد.
- ❖ ترکیب وصفی - اضافی

در زبان فارسی اگر کلمه ای هم صفت و هم مضاف الیه داشته باشد اول صفت سپس مضاف الیه می آید؛ مانند: مدرسه بزرگ ما ؛ اما در زبان عربی این ترکیب برعکس است یعنی اول مضاف الیه سپس صفت می آید؛ مانند: مَرْزَعَتُنَا الْكَبِيرَةُ (مزرعه بزرگ ما) أَخِي الْأَصْغَرَ ( برادر کوچکم )

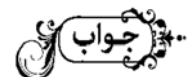
✓ نکته: اسم + ضمیر متصل = مضاف و مضاف الیه      مانند: خَاتَمَهَا ( انگشترش )

۳۳- در کدام گزینه ترکیب وصفی - اضافی وجود دارد؟

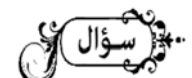


- ( أ ) جَلِيسُ السَّوِّءِ شَيْطَانٌ.  
 ( ب ) النَّوْمُ أَخُ الْمَوْتِ.  
 ( ج ) الْعِلْمُ كَنْزٌ عَظِيمٌ.  
 ( د ) أَشْكُرُكَ عَلَى عَمَلِكَ الصَّالِحِ.

در گزینه « أ » ترکیب « جَلِيسُ السَّوِّءِ »، در گزینه « ب » ترکیب « أَخُ الْمَوْتِ » ترکیب اضافی و در گزینه « ج » ترکیب « كَنْزٌ عَظِيمٌ » ترکیب وصفی است. و در گزینه « د » « عَمَلِكَ الصَّالِحِ » ترکیب وصفی - اضافی است.  
 ( عَمَلٍ: مضاف و موصوف + ك: مضاف الیه + الصَّالِحِ: صفت )

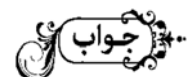


۳۴- فِي أَيِّ عِبَارَةٍ اسْتَعْمِلَتِ الصَّفَةُ وَالْمَوْصُوفُ؟

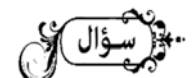


- ( أ ) أَعَدَّ اللَّهُ الْجَنَّةَ لِعِبَادِهِ.  
 ( ب ) بَنَتْ عُصْفُورَةٌ جَمِيلَةً عَشًّا لِيَصْغَارِهَا.  
 ( ج ) إِنَّ النَّعَالَبَ لَا تَسْتَطِيعُ أَنْ تَتَسَلَّقَ الْأَشْجَارَ.  
 ( د ) مُجَالَسَةُ الصَّالِحِينَ دَاعِيَةٌ إِلَى صِلَاحِ النَّفْسِ.

در گزینه « أ » « عِبَادِهِ »، در گزینه « ب » « صِغَارِهَا » و در گزینه « د » « مُجَالَسَةُ الصَّالِحِينَ » و « صِلَاحِ النَّفْسِ » ترکیب اضافی هستند و در گزینه « ب » « عُصْفُورَةٌ جَمِيلَةٌ » ترکیب وصفی است. لذا جواب سؤال گزینه « ب » است. همانگونه ملاحظه کردید مضاف « أَل » ندارد و مضاف الیه در گزینه « أ » ضمیر متصل است و در گزینه های دیگر با « أَل » آمده است که شباهتی با مضاف ندارند، اما در ترکیب وصفی موصوف و صفت کاملاً به هم شبیهند.

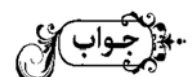


۳۵- أَيُّ عِبَارَةٍ لَا تَشْتَمِلُ عَلَى تَرْكِيْبٍ إِضَافِيٍّ؟



- ( أ ) إِمَّا مَنْ يَتَّقِي اللَّهَ يَبْطَلْ.  
 ( ب ) قِيَمَةُ الْإِنْسَانِ مَا يُحْسِنُهُ.  
 ( ج ) جَمَالَ الْعِلْمِ إِصْلَاحُ الْعَمَلِ.  
 ( د ) فِي زِدْيَادِ الْعِلْمِ إِرْغَامُ الْعِدَى.

در گزینه « ب » « قِيَمَةُ الْإِنْسَانِ »، در گزینه « ج » « جَمَالَ الْعِلْمِ » و « إِصْلَاحُ الْعَمَلِ » و در گزینه « د » « زِدْيَادِ الْعِلْمِ » و « إِرْغَامُ الْعِدَى » ترکیب های اضافی هستند لذا جواب سؤال گزینه « أ » است.



## سؤال

۳۶- در کدام گزینه ترکیب وصفی وجود دارد؟

- (أ) الْجِسْرُ الْأَبْيَضُ، عَلَى نَهْرٍ كَارُونَ.  
 (ب) كَانَ إِدِيسُونُ ثَقِيلَ السَّمْعِ.  
 (ج) الدُّنْيَا مَزْرَعَةُ الْآخِرَةِ.  
 (د) الصَّاعِقَةُ تَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مَعَ الرِّعْدِ.

## جواب

۳۷- در کدام گزینه ترکیب اضافی وجود ندارد؟

- (أ) كَانَ إِدِيسُونُ فِي السَّابِعَةِ مِنْ عُمَرِهِ.  
 (ب) الطُّفُولَةُ هِيَ السَّنَوَاتُ الْأُولَى مِنَ الْحَيَاةِ.  
 (ج) مِثَالُ الْمُتَنَبِّي فِي مَدِينَةِ بَغْدَادِ.  
 (د) مَسْجِدُ الْإِمَامِ، فِي مُحَافَظَةِ أَصْفَهَانَ.

## جواب

## ❖ فن ترجمه

(۱) همانطور بیان شد چنانچه کلمه ای که بعد از اسم اشاره می آید دارای « أل » باشد، اسم اشاره به صورت مفرد ترجمه شده و کلمه یا کلمات بعد از آن، جمله را کامل می کنند؛ مانند:

هُؤُلَاءِ الطُّالِبَاتُ، نَاجِحَاتٌ فِي مُسَابَقَةِ حِفْظِ الْقُرْآنِ. این دانش آموزان، در مسابقه حفظ قرآن موفق هستند.

(۲) اصطلاح « عَلَيْكَ ب » به معنای « بر تو لازم است » و « تو باید » است؛ مانند:

عَلَيْكَ بِالْحُرُوجِ = بر تو لازم است خارج شوی ، تو باید خارج شوی.

(۳) برخی از صیغه های فعل مضارع به هم شبیه هستند برای ترجمه درست باید به ضمائر ، اسمها و دیگر کلمه ها توجه نمود؛ مانند:

يَا نَجَارُ، أَنْتَ تَعْمَلُ جَيِّدًا. ای نجار، تو خوب کار می کنی.

هَذِهِ الْبِنْتُ تَعْمَلُ فِي الْمُخْتَبَرِ. این دختر در آزمایشگاه کار می کند.

هَاتَانِ الْبِنْتَانِ تَكْتُبَانِ وَاجِبَهُمَا؛ أَأَنْتُمَا تَكْتُبَانِ أَيْضًا؟

این دو دختر تکلیفشان را می نویسند؛ آیا شما هم می نویسید؟

(۴) گاهی کلمه « عِنْدَ : نزد » یا « لِ ، لِ : برای » برای مالکیت به کار می رود؛ مانند:

﴿لِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى﴾ خدا نام های نیکو دارد. عِنْدَكَ أَزْهَارٌ جَمِيلَةٌ. گل های زیبایی داری.

(۵) اگر کلمه « ما » بر سر فعل ماضی و کلمه « لا » بر سر فعل مضارع بیاید و فعل مضارع تغییر نکند معمولاً برای منفی کردن است؛ مانند: أَنَا لَا أَكْذِبُ مِنْ دُرُوعِ نَمِي گویم.

﴿مَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِنْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ﴾ ما به آنها ستم نکردیم اما آنها به خودشان ستم کردند.

و در غیر اینصورت معانی دیگری دارد که یکی از معانی کلمه « ما » استفهام یا پرسشی است؛ مانند:

﴿مَا تِلْكَ يَمِينِكَ يَا مُوسَى﴾ ای موسی، آن چیست در دست راستت؟

(۶) معمولاً در زبان عربی وزن « فاعِل » به معنای « انجام دهنده یا دارنده حالت » و وزن « مَفْعُول » به معنای « انجام شده » است؛ مانند: حَامِدٌ = ستاینده ، مَحْمُودٌ = ستوده.

(۷) توضیحات فن ترجمه افعال در صفحه « ۷ » گذشت؛ اما برخی از افعال هستند که معمولاً با حروف خاصی آمده و همراه با آن حروف ترجمه می شوند؛ به نمونه هایی از این افعال و ترجمه آنها توجه نمایید:

بَدَأَ بِ: شروع کرد به	بَحَثَ عَنْ: دنبال...گشت	أَجَابَ عَنْ: پاسخ داد به
أَتَى بِ: آورد	جَاءَ بِ: آورد	بَعَدَ عَنْ: دور شد از
شَعَرَ بِ: احساس ... کرد	سَخِرَ مِنْ: مسخره کرد	دَهَبَ بِ: بُرَد
قَامَ بِ: انجام داد، پرداخت	عَزَمَ عَلَى: تصمیم گرفت	سَمَحَ لـ: اجازه داد به
حَصَلَ عَلَى: به دست آورد	مَلَأَ بِ: پُر شد از	قَرَّبَ مِنْ: نزدیک شد به

۳۸- ترجمه کدام عبارت صحیح است؟

سؤال

أ) سَنَذَهَبُ إِلَى النَّهْرِ بَعْدَ دَقَائِقٍ. بعد از چند دقیقه به سمت رودخانه می رویم.

ب) تَلَعَبُ الطُّفْلَتَانِ بَيْنَ الْأَشْجَارِ. شما دو کودک بین درختان بازی می کنید.

ج) هُوَ لِأَصْدِقَائِهِ وَأَقْفُونَ. اینها دوستانی هستند که ایستاده اند.

د) أَلْغَرِيبُ مَنْ لَيْسَ لَهُ حَبِيبٌ. غریب کسی است که دوستی ندارد.

جواب

در گزینه « ا » فعل « سَنَذَهَبُ » به دلیل حرف « س » به صورت مستقبل (خواهیم رفت) ترجمه می شود، در گزینه « ب » فعل « تَلَعَبُ » با توجه به کلمه « الطُّفْلَتَانِ » به صورت سوم شخص (غائب: بازی می کنند) ترجمه می شود، در گزینه « ج » به دلیل اینکه بر سرِ مَشَارُءٍ یعنی کلمه « الْأَصْدِقَاءُ » حرف « أَل » آمده است اسم اشاره یعنی « هُوَ لِأَصْدِقَائِهِ » به صورت مفرد (این دوستان) ترجمه می شود لذا گزینه « د » صحیح است.

۳۹- ترجمه کدام عبارت صحیح نیست؟

سؤال

أ) لَهُمْ حَدِيقَةٌ جَمِيلَةٌ. آنها باغ زیبایی دارند.

ب) ﴿ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ ﴾. تنها مؤمنان برادر هستند.

ج) مَرَقَدُ الْإِمَامِ الثَّلَاثِ فِي كَرْبَلَاءَ. مرقد امام سوم در کربلاست.

د) الْأَطْلَابُ كَانُوا يَدْرُسُونَ بِدِقَّةٍ. دانش آموزان به دقت درس می خوانند.

جواب

۴۰- کدام توضیح برای کلمه داخل پرانتز صحیح نیست؟

سؤال

أ) الْيَوْمُ الرَّابِعُ مِنَ الْأُسْبُوعِ. (الأربعاء)

ب) مَكَانٌ لِفَحْصِ الْمَرْضَى. (المستوصف)

ج) قَطْرَاتٌ جَارِيَةٌ مِنَ الْعَيْنَيْنِ. (الدموع)

د) مَكَانُ الصَّلَاةِ عِنْدَ الْمُسْلِمِينَ. (المسجد)

گزینه « ا » غلط است. روز چهارم از هفته (الثلاثاء: سه شنبه) می باشد.

جواب

۴۱- کدام توضیح برای کلمه داخل پرانتز صحیح نیست؟

سؤال

أ) مَنْ يَعْمَلُ فِي زِرَاعَةِ الْأَرْضِ. (الفلّاح)

ب) نَتِيجَةُ احْتِرَاقِ الْحَشَبِ وَغَيْرِهِ. (الناز)

ج) قَطْرَاتُ الْمَاءِ الَّتِي تَنْزِلُ مِنَ السَّحَابِ. (المطر)

د) هُوَ الَّذِي لَا يَطْلُبُ لَكَ الْخَيْرَ بَلْ يَطْلُبُ الشَّرَّ. (الصدیق)

جواب



سؤال

۴۲- عَيَّنَ الصَّحِيحَ: «ما كَانَتْ هُوَلاءِ الْمُؤْمِنَاتُ يَمْدَحْنَ أَنْفُسَهُنَّ عِنْدَ الْآخِرِينَ» (سراسری تجربی ۸۳)

- أ) اینها که از خود نزد دیگران ستایش می کردند، زنان با ایمان نیستند.  
 ب) اینها زنان مؤمنی هستند که از خود در پیش دیگران ستایش می کنند.  
 ج) این زنان مؤمن خود را نزد دیگران مدح و ستایش می کردند.  
 د) آن مؤمنان خویشتن را در مقابل دیگری مدح نکرده اند.

جواب

فعل منفی «ماكانت» با فعل مضارع «يمدحن» بصورت ماضی استمرای منفی ترجمه می شود، لذا جواب صحیح گزینه « ج » است که بصورت ستایش می کردند ترجمه شده است.

سؤال

۴۳- عَيَّنَ الصَّحِيحَ: «عَلَى الشَّبَابِ احْتِرَامِ الْوَالِدَيْنِ، خَاصَّةً فِي أَيَّامِ الشُّبُوبِ» (سراسری ریاضی ۸۳)

- أ) بر جوانان ماست احترام والدین، مخصوصاً در زمان پیری آنها.  
 ب) جوانان باید به والدین، مخصوصاً در زمان پیری، احترام بگذارند.  
 ج) بخصوص در زمان جوانی، احترام به پدر و مادر واجب گشته است.  
 د) بخصوص در جوانی، احترام به والدین، هنگام سالخوردگی آنها، لازم است.

جواب

(عَلَى + اسم = باید ، لازم است) در گزینه « ب » آمده است: جوانان باید ... لذا جواب صحیح گزینه « ب » است.  
 در گزینه « ج » آمده: در زمان جوانی واجب گشته است ... و در گزینه « د » آمده: در جوانی لازم است ...  
 نه بر جوانان لازم است، بنابر این گزینه « ج » و « د » درست نیست.

سؤال

۴۴- ترجمه کدام عبارت صحیح نیست؟

- أ) بَدَأَ الْفَلَّاحُ بِجَمْعِ الْفَوَاكِهِ. کشاورز شروع به جمع آوری میوه ها کرد.  
 ب) كَانَ الْبُسْتَانُ مَمْلُوءًا بِأَشْجَارِ الْبُرْتِقَالِ. باغ پُر از درخت پُرتقال بود.  
 ج) نَحْنُ بِحَاجَةٍ إِلَى التَّقَاعِدِ. ما به بازنشستگی نیازمندیم.  
 د) قَرَّبْتُ الْأُمَّ مِنْ وَلَدِهَا. مادر از فرزندش نزدیکتر شد.

جواب

در گزینه «أ» «بَدَأَ بِ» یعنی «شروع کرد به» و در گزینه «ب» «كَانَ مَمْلُوءًا بِ» یعنی «پُر بود از» و در گزینه «ج» «بِحَاجَةٍ» یعنی «نیازمند» درست ترجمه شده است اما در گزینه «د» «قَرَّبَ مِنْ» یعنی «نزدیک شد به» لذا ترجمه صحیح عبارت چنین است: «مادر به فرزندش نزدیک شد.»

سؤال

۴۵- ترجمه کدام عبارت صحیح است؟

- أ) أُمُّكَ تَشْعُرُ بِالصُّدَاعِ. مادرت احساس سردرد می کند.  
 ب) إِسْمَخَ لِي بِالْكَلامِ. با حرف زدن برای من اجازه بگیر.  
 ج) أِصْغَطُ الدَّمَّ عِنْدَكَ؟ آیا دستگاه فشار خون نزد توست؟  
 د) الطَّالِبُ بَحَثَ عَنِ أَصْدِقَائِهِ. دانش آموز با دوستانش بحث و گفتگو کرد.

جواب

.....  
 .....  
 .....

## سؤال

۴۶- کدام عبارت ترجمه عبارت « قَالَ فِي نَفْسِهِ: يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مُنْتَظَمًا ! » می باشد؟

- ( ا ) « در پیش خود گفتم: به درستی که من منظم بودم. »  
 ( ب ) « با خودش گفت: به درستی که من منظم بودم. »  
 ( ج ) « در پیش خود گفتم: ای کاش منظم بودم. »  
 ( د ) « با خودش گفت: ای کاش منظم بودم. »

## جواب

## سؤال

۴۷- ترجمه کدام یک از گزینه های زیر صحیح می باشد؟

- ( ا ) مَاذَا حَدَّثَ لَهُ؟ چیزی برای او اتفاق نیفتاد؟  
 ( ب ) لَا تَكْشِفُوا عَيْبَ أَصْدِقَائِكُمْ. عیب دوستانتان را فاش نمی کنید.  
 ( ج ) يَا مَخْلُوقُ، عَلَيْكَ بِذِكْرِ اللَّهِ. ای آفریننده، یاد خداوند بر توست.  
 ( د ) ﴿ وَ مَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴾  
 و خدا به آنها ستم نکرد، ولی خود به خویشتن ستم می کردند.

## جواب

## سؤال

۴۸- ترجمه کدام یک از گزینه های زیر صحیح نیست؟

- ( ا ) الشَّهْرُ الثَّانِي لِلسَّنَةِ جَمِيلٌ جِدًّا. دو ماه از سال جداً زیباست.  
 ( ب ) كُلُّ شَيْءٍ يَنْقُصُ عَلَى الْإِنْفَاقِ، إِلَّا الْعِلْمَ.  
 هر چیزی به جز دانش با بخشیدن ( انفاق ) کم می شود.  
 ( ج ) لَا فَقْرَ كَالْجَهْلِ وَ لَا مِيرَاثَ كَالْأَدَبِ.  
 هیچ فقری مانند نادانی و هیچ میراثی مانند ادب نیست.  
 ( د ) إِنَّ الْحَسَدَ يَأْكُلُ الْحَسَنَاتِ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ.  
 همانا حسد نیکی ها را می خورد همانگونه که آتش هیزم را می خورد.

## جواب

## سؤال

۴۹- مفهوم کدام جمله به فارسی صحیح نمی باشد؟

- ( ا ) مَنْ زَرَعَ الْعُدْوَانَ حَصَدَ الْخُسْرَانَ.  
 تا توانی می گریز از یارِ بد یارِ بد بدتر بود از مارِ بد  
 ( ب ) عِدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ.  
 دشمنِ دانا که غم جان بود بهتر از آن دوست که نادان بود  
 ( ج ) خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا.  
 اندازه نکه دار که اندازه نکوست؛ هم لایق دشمن است و هم لایق دوست  
 ( د ) زِينَةُ الْبَاطِنِ خَيْرٌ مِنْ زِينَةِ الظَّاهِرِ.  
 تن آدمی شریف است به جان آدمیت نه همین لباس زیباست نشان آدمیت

## جواب

## جدول تصریف فعل ماضی و مضارع به روش سنتی

فعل		ضمیر	نام صیغه به عربی	تعداد	جنس	صیغه	
مضارع	ماضی						
می رَوَد	يَذْهَبُ	هُوَ	لِلْغَائِبِ	مفرد	مذکر	غائب	
می رَوَد	يَذْهَبَانِ	هُمَا	لِلْغَائِبَيْنِ	مثنی			
می رَوَد	يَذْهَبُونَ	هُمْ	لِلْغَائِبِينَ	جمع			
می رَوَد	تَذْهَبُ	هِيَ	لِلْغَائِبَةِ	مفرد			مؤنث
می رَوَد	تَذْهَبَانِ	هُمَا	لِلْغَائِبَتَيْنِ	مثنی			
می رَوَد	يَذْهَبْنَ	هُنَّ	لِلْغَائِبَاتِ	جمع			
می رَوِي	تَذْهَبُ	أَنْتَ	لِلْمُخَاطَبِ	مفرد	مذکر	مخاطب	
می رَوِي	تَذْهَبَانِ	أَنْتُمَا	لِلْمُخَاطَبَيْنِ	مثنی			
می رَوِي	تَذْهَبُونَ	أَنْتُمْ	لِلْمُخَاطَبِينَ	جمع			
می رَوِي	تَذْهَبِينَ	أَنْتِ	لِلْمُخَاطَبَةِ	مفرد	مؤنث		
می رَوِي	تَذْهَبَانِ	أَنْتُمَا	لِلْمُخَاطَبَتَيْنِ	مثنی			
می رَوِي	تَذْهَبْنَ	أَنْتُنَّ	لِلْمُخَاطَبَاتِ	جمع			
می رَوَم	أَذْهَبُ	أَنَا	لِلْمُتَكَلِّمِ وَحْدَهُ	مفرد	مذکر یا مؤنث	متکلم	
می رَوِي	نَذْهَبُ	نَحْنُ	لِلْمُتَكَلِّمِ مَعَ الْغَيْرِ	مثنی یا جمع			

## جدول تصریف فعل امر و نهی به روش سنتی

فعل		ضمیر	نام صیغه به عربی	تعداد	جنس	صیغه
نهی	امر					
نرو	لا تَذْهَبْ	أَنْتَ	لِلْمُخَاطَبِ	مفرد	مذکر	مخاطب
نروید	لا تَذْهَبَا	أَنْتُمَا	لِلْمُخَاطَبَيْنِ	مثنی		
نروید	لا تَذْهَبُوا	أَنْتُمْ	لِلْمُخَاطَبِينَ	جمع		
نرو	لا تَذْهَبِي	أَنْتِ	لِلْمُخَاطَبَةِ	مفرد	مؤنث	
نروید	لا تَذْهَبَا	أَنْتُمَا	لِلْمُخَاطَبَتَيْنِ	مثنی		
نروید	لا تَذْهَبْنَ	أَنْتُنَّ	لِلْمُخَاطَبَاتِ	جمع		

## « خلاصه قواعد دوره اول متوسطه »

